

## بررسی تطبیقی سیمای زن در رمان لقیطة محمد عبدالحلیم عبدالله و نسخه مصور هزار و یک شب صنیع الملک

### چکیده

در کشورهای عربی-اسلامی جهان سوم که در چنبره تناقض باورها و عقاید سنتی و تحفه‌های نامأنوس مدرنیته گرفتار بوده و پیش‌زمینه‌های زیادی در نوع بینش و نگاه تحقیرآمیز به زن دارند. نگاه مردسالارانه جامعه مصر هم که از یک‌طرف زن را فردی درجهٔ چندم قلمداد کرده و از طرفی، فاقد قوانین کافی در حمایت از حقوق زنان هست. پژوهش حاضر با تکیه بر رمان «لقیطة» محمد عبدالحلیم عبدالله، رمان‌نویس معاصر مصری، به بررسی علل و عوامل این فرهنگ سنتی و تحلیل تبعات ویرانگر آن پرداخته است. همچنین سیمای زن را در نسخه مصور هزار و یک شب صنیع الملک مورد بررسی قرار داده است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و شیوهٔ بررسی از نوع مطالعات کیفی و تحلیل محتواست. نتایج نشان می‌دهد که بی‌فرهنگی اجتماعی به‌ویژه ناآگاهی فردی، تحجر و عوام‌گرایی، فقر و ناداری و به‌ویژه زیاده‌خواهی توده مردان شهوت‌پرست از جمله عواملی است که در تولید و بازتولید این معضل اجتماعی دخیل‌اند. در نسخه مصور هزار و یک شب نیز زنان هنوز از جایگاه والای اجتماعی برخوردار نیستند اما تحولات دورهٔ قاجار سبب پررنگ‌شدن نقش زنان در نگاره‌های این دوره شده است.

### اهداف پژوهش:

۱. به تصویر کشیدن سیمای زن مصری در تقابل سنت و مدرنیته.
۲. بررسی سیمای زن در نسخه مصور هزار و یک شب صنیع الملک.

### سوالات پژوهش:

۱. زن در بستر تقابل سنت و مدرنیته جامعه مصر، چه تصویری دارد؟
۲. زن در نسخه مصور هزار و یک شب صنیع الملک چگونه بازتاب یافته است؟

**کلیدواژه‌ها:** لقیطة، محمد عبدالحلیم عبدالله، مضامین اجتماعی، زن، سنت و مدرنیته.

## مقدمه

هر اثر ادبی دریچه‌ای است به جهان درون نویسنده و نمایانگر شخصیت ادبی، دیدگاه و اندیشه‌های پنهان و آشکار او بوده و تبلور انواع مضامین از جمله مضامین اجتماعی در ذهن و افکار اوست. خواننده آثار ادبی با درون‌مایه اجتماعی در مواجهه با محتوای آن تا حدود زیادی به ایدئولوژی، افکار و اندیشه‌های نگارنده اثر پی برده و از وضعیت اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی آن دوره مطلع می‌گردد. رمان به‌عنوان نوع ادبی جدید عصر بورژوازی، ضمن ایجاد تحولی عظیم در ادبیات، این روند را سرعت می‌بخشد و تبدیل به آینه‌ای می‌گردد که تجلی افکار و دیدگاه‌های نویسنده و بازتاب تعامل او با جامعه باشد. در عصر حاضر، رمان از رسالت اولین خود مبنی بر سرگرم‌کنندگی، لذت‌آفرینی و ارضای احساسات فاصله گرفته و به تشریح و ایراد واقعیات آشکار زندگی پرداخته و بیانگر غم‌ها، مشقات، حقارت‌ها و دورنگی‌ها گشته است. بررسی نقش رمان در بیان واقعیات جامعه، پرسش اساسی و آغازین عرصه جامعه‌شناسی ادبیات بوده و بررسی تعامل هرم سه‌ضلعی «انسان، ادبیات و جامعه» اولین چالش هر منتقدی در حوزه ادبی است. رمان‌های اجتماعی و واقع‌گرا بهترین بستر برای تحقیقات جامعه‌شناختی به‌شمار می‌روند. این آثار که به جهت تأثیر مستقیم جامعه بر دیدگاه و تفکرات هنرمند به رشته تحریر درآمده‌اند، بهترین ابزار تحلیل‌گر جامعه‌شناسی ادبیات برای مطالعه شرایط فرهنگی، اجتماعی و زمانی و مکانی‌اند.

باتوجه به اینکه جامعه در یک حالت ثابت به سر نبرده؛ بلکه دائماً در حال رشد و ترقی و تغییر است، به تبع آن، اوضاع و احوال اجتماعی نیز تحت‌تأثیر این تغییرات به فعل و شکوفایی می‌رسد. منظور ما از اوضاع و احوال اجتماعی در واقع همه شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، عادات و رسوم و اخلاق است. هنرمند نیز به‌دوراز واکنش‌های اجتماعی به‌سر نمی‌برد و اثر خود را بدون توجه به اینکه جامعه از آن راضی است و یا به مقابله با آن می‌پردازد، تقدیم می‌کند. در واقع، جامعه یکی از مهم‌ترین منابعی است که هنرمند، ماده اصلی و اول اثر خویش را از آن می‌گیرد. از سویی، شخصیت و فطرت درونی نویسنده نیز به‌دوراز فعل و انفعالات اثر ادبی نبوده و بر آن تأثیر مستقیم دارد. همچنین، ملاحظه می‌شود که یک اثر ادبی تنها در ارتباط با جامعه خویش بوده و انعکاس‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آن جامعه بوده است و از سوی دیگر، متصل به شخصیت و انعکاس‌دهنده آرا و افکار درونی نویسنده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که هر اثر ادبی، از طرفی انعکاس‌دهنده فطرت درونی و سلیقه شخصی هنرمند بوده و از طرف دیگر، بیانگر افکار حاکم بر جامعه ادیب است. «بنابراین، در تفسیر یک اثر ادبی تنها تأثیر جامعه دخیل نیست؛ بلکه شخصیت و فطرت فرد نیز در این مسئله از اهمیت بارزی برخوردار است، به‌گونه‌ای که تمرکز بر حوادث اجتماعی به‌تنهایی تحلیل‌کننده آن اثر ادبی نیست» (اسماعیل، ۱۹۶۸: ۳۰۶). باید گفت که ادبیات فقط متأثر از اجتماع نیست؛ بلکه بر آن اثر هم می‌گذارد؛ زیرا هنر فقط به بازسازی حیات نمی‌پردازد، بلکه به آن شکل هم می‌دهد. چنان‌که برخی مردم زندگی قهرمانان و نقش‌آفرینان داستان‌ها را سرمشق زندگی خود قرار داده و شیفته زندگی آن‌ها می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، ادیب یا هنرمند همیشه منفعل نیست؛ بلکه در کار ساخت فرهنگ جامعه خویش دخیل است و از این راه بر شتاب حرکت تکاملی آن می‌افزاید. در جستار حاضر به این موضوع خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که نویسنده رمان لقیطه چطور تحت تأثیر اوضاع اجتماعی عصر خود به طرح یکی از مسائل حاد اجتماعی در قالب این رمان پرداخته و دغدغه خود را به نمایش گذاشته است.

با خوانش میان‌رشته‌ای بین ادبیات و جامعه‌شناسی می‌توان به زوایای تازه‌ای از متون ادبی دست‌یافت. این بررسی به مطالعه سیمای زن مصری از منظر مسائل اجتماعی با محوریت دختران سرراهی خواهد پرداخت. لازم به ذکر است که در بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌یافته در این موضوع مشخص می‌شود که متأسفانه تاکنون در زمینه پژوهش حاضر مطالعه‌ای انجام نیافته است و این پژوهش نخستین پنجره‌ای است که به‌منظور شناخت بیشتر این اثر ادبی که یکی از مناظر زیبای ادبیات مصر محسوب می‌شود، گشوده خواهد شد. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و شیوه بررسی از نوع مطالعات کیفی و تحلیل محتواست. جامعه آماری شامل کل کتاب لقیطة اثر محمد عبدالحلیم عبدالله (۱۹۱۳ م/۱۹۷۰ م) طبع دار مصر للطباعة، سعید جوده و شرکاء، قاهره: مکتب المصر است که در سال ۱۹۴۷ میلادی به چاپ رسیده است.

### نتیجه‌گیری

مطالعه رخدادهای سیاسی و اجتماعی مصر مخصوصاً وضعیت فرهنگی و نگاه به زنان در سال‌هایی که ذکر شد این واقعیت را آشکار می‌سازد که از سال‌ها قبل خیزش فرهنگی گسترده‌ای به انحای مختلف در احقاق حقوق زنان شکل گرفته که بستر ادبیات به‌ویژه ادبیات داستانی یکی از آن‌هاست.

رمان «لقیطة» از لحاظ زمانی در میانه راه این خیزش عظیم قرار گرفته است و برای همین این رمان برگرفته از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود است. داستانی که شرایط زیستی حاکم بر شخصیت‌های آن و آداب و رسوم مطروحه و مفاهیمی که اغلب در قالب گفت‌وگو عرضه می‌شود حکایت از تقابل سنت و مدرنیته و تاجر و تمدن دارد. نویسنده این رمان تحت‌تأثیر تغییر افکار اجتماعی و حرکت روبه‌رشد جوامع، زن را موجودی گوشه‌نشین و مطیع محض اوامر مرد قلمداد نکرده است، بلکه از دیدگاه وی زن نیز می‌تولند علی‌رغم مخالفت‌ها و تعصبات گاه‌وبیگاه برخی سنت‌گرایان، قدم در راه ترقی جامعه گذاشته و از تاجر و بی‌فرهنگی عبور کند. زن در میانه راه خیزش فرهنگی و اجتماعی مصر، موجودی است که خود برای خود تصمیم می‌گیرد و بنیان هستی خود را آن‌گونه که خود می‌پسندد، می‌چیند و برای آینده خود برنامه می‌ریزد. از این رو، می‌بینیم که دختر گمشده «لقیطة» پا را از افکار سنتی فزاینده، خود را از جریان عمومی افکار و اندیشه‌های پوسیده اطرافیان جدا کرده و قدم در راهی می‌گذارد که خود آزادانه و با اطمینان خاطر کامل آن را خواسته و انتخاب کرده است. در واقع، اصلی‌ترین درون‌مایه این کتاب - که نشانگر خط‌مشی نویسنده است - همین «اندیشه تغییر» است. تغییر در نوع نگاه زن به جامعه، تغییر در نوع نگاه جامعه به زن و شکستن تابوها و سنت‌های غلط گذشته. محمد عبدالحلیم عبدالله، تحت‌تأثیر این جنبش، لیلی، شخصیت اصلی داستان را، دختری متفاوت از بقیه دختران معرفی کرده و او را الگویی برای سایر کودکان سرراهی ترسیم می‌کند، چراکه قهرمان داستان، مسیری برخلاف جهت حرکت عمومی زنان و دختران آن جامعه برگزیده و به‌جای تسلیم، تحرک و پویایی را انتخاب کرده و در مسیر دستیابی به هدف خویش گام برمی‌دارد.

عبدالحلیم عبدالله با تجربه نگارش کتب مختلف در خصوص مسائل اجتماعی زنان، با نفوذ کلامی و رسایی زبان و قلم خویش در کنار انتخاب مضامین اجتماعی روز جامعه در پی بازنمایی مشکلات اجتماعی زنان جهت یافتن راهکارهای اساسی برای آن‌هاست. طرح داستانی لقیطة به‌صورتی است که خواننده را در کنار قهرمان داستان به چالش دعوت نموده و در فراز و فرود حوادث همراه می‌سازد. این انتخاب هوشمندانه‌ای است که تأثیرگذاری موضوعی داستان را بر روی مخاطب افزایش می‌دهد. به‌طور کلی، پیام اصلی داستان، طرح معضلات کودکان سرراهی و ایجاد تغییرات

اجتماعی و بهبود رفتاری عامه با این قبیل کودکان است. بی فرهنگی والدین، تحجر و عوام‌گرایی؛ فقر و تهیدستی، زیاده‌خواهی جامعه مردان و غیره از جمله عواملی است که به‌عنوان بسترساز تولید و بازتولید این معضل اجتماعی قابل‌ذکر است. در نسخه مصور هزار و یک شب صنایع‌الملک نیز زنان دارای موقعیت ممتازی نیستند؛ محدودیت در پوشش و اجبار در حضور در دربار و حرم از نمودهای این جایگاه نامناسب و فقر فرهنگی در این دوره است.

## منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

- پارسانسب، محمد. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات فارسی از آغاز تا سال ۱۳۵۷. تهران: سمت.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۶). تاریخ اسلام. چ دوم، تهران: معارف.
- ترابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی ادبیات، شعر نو و تکامل اجتماعی. چ دوم، تبریز: فروغ آزادی.
- جاحظ، عمروبن‌بهر. (۱۳۱۱ ق). البیان و التبیین. ج ۱، قاهره: چاپ حسن افندی فاکهانی.
- جوانمردی، فاطمه؛ میرمحمودی، فاطمه. (۱۴۰۰). «مقایسه تطبیقی چند نگاره از نگاره‌های هزار و یک شب صنایع‌الملک و نسخه‌های چاپ سنگی دوران قاجار». چهارمین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، هنر و طراحی.
- الحیدری، ابراهیم. (۲۰۰۳ م). النظام الابویه و اشکالیه، الجنس فی العرب. بیروت: دارالساقی.
- خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۲۱ آبان ۱۳۹۲. <<https://www.isna.ir>>
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۵). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه دهخدا.
- رحمانی، أحمد. (۲۰۰۴ م). نظریات نقدیه و تطبیقاتها. القاهره: مکتبه وهبه.
- ستوده، هدایت‌اله. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی. چ دوم، تهران: انتشارات آوای نور.
- شیروانلو، فیروز. (۱۳۵۵). گستره و محدوده جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. تهران: توس.
- عبدالحلیم عبدالله، محمد. (۱۹۴۷ م). لقیطة، دار مصر للطباعة. سعید جوده و شرکاء، قاهره: مکتب المصر.
- عبدالحمید الموسی، أنور. (۲۰۱۱ م). علم الاجتماع الأدبی (منهج سوسیولوجی فی القراءه و النقد). لبنان: دارالنهضة العربیه.
- وحید، فریدون. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی در ادبیات. تهران: نشر سمت.